

# میدانی برای تازه‌کارها

مشغول می‌کرده تا ماهر شوند. ایشان هنوز هم از هنرجویانی که علاقه دارند در زمینه تولید صنایع برقی فعالیت کنند، حمایت می‌کند.

یکی از سؤالات دوست نداشتنی که هنگام به‌دنبال کار گشتن، آن را زیاد می‌شنویم، این است: «چند سال سابقه کار داری؟»

بعضی از کارفرماها ترجیح می‌دهند با نیروهایی کار کنند که تمام چم و خم کار را بلدند و به آموزش دیدن نیاز ندارند؛ به دلیل اینکه نیروی کار بلد و باتجربه کمتر خطا می‌کند و از همان روز اول به کارها تسلط دارد. اما اگر تمام کارفرماها دنبال نیروهای باسابقه بگردند، نیروهای جوانی که سابقه کار ندارند، باید در چه محیطی سابقه به‌دست آوردند و تجربه کسب کنند؟

مسئلم است هیچ‌کدام از ما از روز اول با سابقه کار و مهارت به دنیا نمی‌آییم. وقتی هم از کارفرماها می‌پرسیم مهارت را باید از کجا بیابیم، جوابی نمی‌دهند. البته کارفرمایانی هم پیدا می‌شوند

آقای مهندس محسن لونی معلمی حمایتگر است که از ابتدای دوران کاری خود، هنرجویانش را در کارخانه‌های تولیدات صنایع برقی استخدام می‌کرده است. ایشان مدیر ارشد چند کارخانه تولید خدمات مهندسی و صنایع برقی مثل صفحه‌های برق و موتور برق است. آقای لونی از ابتدا هنرجویان و کارآموزانشان را در کنار خود

علاوه بر این‌ها، همه مادر قبال جامعه خود مسئولیم. بالاخره باید افرادی باشند تا این حلقه معیوب را که همیشه دنبال نیروی باسابقه می‌گردند، بشکنند. ما نمی‌توانیم از جوانی که کسی بدون رزومه او را قبول نمی‌کند، توقع داشته باشیم ماهر شود.

فرزندان من در سنین واردشدن به بازار کارند و دلم می‌خواهد صاحبان شغل‌ها به آن‌ها کمک کنند و کار پیدا کردن را برایشان به معضل تبدیل نکنند. بچه‌های مردم هم مثل فرزندان خودم هستند. من دوست ندارم به خاطر مهارت نداشتن در کارهایی که به راحتی می‌توانم به آن‌ها آموزش دهم، ناامید و سرخورده شوند.



## چرا نیروهای تازه‌کار و بدون رزومه را انتخاب می‌کنید؟

بعضی از همکاران ما تصور می‌کنند اگر نیروی ماهر را انتخاب کنند، برایشان بهتر است، اما این تصور همیشه درست نیست. هرچند نیروی تازه‌کار مهارت چندانی ندارد، اما می‌توان به او، همان‌طور که به نظر من خوب و درست است، آموزش دهیم. بسیاری از نیروهای کاربلد روش کار را از قبل، طوری که شاید مورد قبول ما نباشد، آموزش دیده‌اند و حاضر نیستند باروش ما کار کنند، اما ما نیروهای بدون مهارت را با همان شیوه‌ای که برای کار ما مناسب‌تر است، آموزش می‌دهیم.

سال ۱۳۸۲ مدیر مجموعه‌ای بودم. آن سال بسیاری از همکاران ما بازنشست شدند و ما مجبور شدیم نیروی کار جذب کنیم. من شرط گذاشتم تمام نیروهای من باید بی‌تجربه باشند. آن زمان همه تعجب کردند، اما نیروهای من به بهترین نیروهای کارخانه تبدیل شدند و من مدام تشویق می‌شدم.

## کارآموزداشتن از لحاظ اقتصادی هم به‌صرفه است؟

همیشه به کارآموزان و نیروهای تازه‌کار حقوق و مزایای متناسب با کارشان را می‌دهم. هیچ‌وقت اهل حقوق ندادن نبوده‌ام. اما یکی دیگر از بدیهیات استخدام نیروی بدون سابقه و مهارت این است که به‌طور طبیعی دستمزد کمتری به ایشان تعلق می‌گیرد. این بخش قضیه، هم به نفع کارفرماست و هم کارآموز؛ زیرا کارآموز بابت آموزش عملی که می‌بیند حقوق مختصری هم می‌گیرد. البته این شرایط در نهایت برای چند ماه اول کار است و بعد به خاطر اینکه تجربه و مهارتشان زیاد شده است، حقوق بیشتری می‌گیرند. کارآموزی داشتم که به جای ۴۵ روز کارآموزی، چندماه در کنار من کار



که برخلاف دیگران، ترجیح می‌دهند با نیرویی کار کنند که به کارکردن علاقه‌مند است، اما تجربه و مهارت ندارد؛ نیرویی که هنوز هیچ چیزی از کار نمی‌داند و باید به او فرصت آزمون و خطا داد. یکی از این کارفرمایان آقای مهندس محسن لونی، صاحب مجتمع تجاری واحد ۱۰۶ در اتوبان فتح شهر تهران است.

زمانی که برای تهیه این گزارش به شرکت تولیدی ایشان رفتیم، جوانی آن طرف کارگاه ایستاده بود و با وسیله‌ای بزرگ که بعداً متوجه شدم در صنعت آبکاری به کار می‌آید، کار می‌کرد. اولین جمله‌ای که آقای لونی گفت، درباره آن جوان بود؛ پسری که سال‌ها قبل یکی از هنرجویان آقای لونی بوده است و حالا همراه ایشان در تولید صنایع برقی، مثل صفحه برق و ابزار دقیق، کار می‌کند.

آقای لونی در سال ۱۳۶۷ در آموزش و پرورش استخدام شده و از همان زمان هنرآموز رشته‌های برق و الکترونیک بوده است. البته

معلمی تنها شغل ایشان نیست. آقای لونی، علاوه بر معلمی، در شرکت‌های خدمات مهندسی و کارخانه‌های تولید صنایع برقی مقام‌های ارشد و مدیریتی بالایی داشته است. حتی چندباری فشار کار باعث شده است به فکر استعفا از معلمی یا مهندسی بيفتد، اما نه دلش می‌خواست مهارت بالایش در مهندسی را رها کند، نه طاقت داشته جهان معلمی را فراموش کند و از هنرجویان دور باشد. عشق ایشان به شغل‌هایش، راهی جدید در ذهنش باز کرده است: معلمی در کارخانه برای هنرجویان پرشور و علاقه‌مند به کار کردن.

اوایل دوره کاری آقای مهندس لونی در شهر خرم‌آباد گذشت؛ زمانی که در هنرستان‌هایی مثل «ولیعصر (عج)» تدریس می‌کرد. از همان زمان به فکر افتاد هنرجویان علاقه‌مند را به پیشنهاد خودشان یا به‌عنوان کارآموز، به شرکتی مهندسی که آن‌جا مشغول به کار بود، ببرد.



**برقی‌اش را مدیریت می‌کند، اما همچنان دوست دارد بانیروهای بدون سابقه کار کند.**

زمانی که می‌بینم هنرجویانم به جای رفتن سراغ مهارت‌آموزی و وارد شدن به فضای واقعی کار، با تشویق و اصرار خانواده‌ها، می‌خواهند حتماً به دانشگاه بروند، احساس می‌کنم ما معلمان مسیرمان را درست نرفته‌ایم. ما نتوانسته‌ایم به‌بچه‌ها ثابت کنیم مهارت مهم است نه مدرک. کسانی که تازه می‌خواهند وارد بازار کار شوند، باید کمی بیشتر از بقیه نیروها با موقعیت و شرایط کنار بیایند و خودشان را بافضا تطبیق دهند. شاید در آغاز کار از حقوق و جایگاه کاری‌شان راضی نباشند، اما باید کمی از خواسته‌هایشان کوتاه بیایند تا زمانی که ماهر شوند و همه برای استخدام آن‌ها منتظر بمانند.



کرد و نقش بسیار مؤثری در پیشرفت کارخانه داشت و کارهای مهمی انجام داد. من می‌دانستم که او آرزو دارد یک لپ‌تاپ داشته باشد؛ برای همین علاوه بر پرداخت حقوقش، برایش لپ‌تاپ هم خریدم.

**آقای لونی چند سال بعد از شروع خدمت به شهر تهران آمده است. بعضی هنرستان‌هایی که ایشان در آن‌ها درس داده، عبارت‌اند از هنرستان فنی ماندگار، هنرستان فنی راهیان قدس، هنرستان شهید بهشتی. ایشان رویه استخدام کردن هنرجویان در کارخانه‌ها را در تهران هم ادامه داد. هنرجویی که علاقه‌مند و پرشور بود، با کمک ایشان به بازار کار وارد شد.**

**از استخدام نیروهای تازه‌کار راضی هستید؟ تا حالا پشیمان نشده‌اید؟**

من سسی سال معلم بودم. روحیه جوانان را بهتر از هرکسی می‌شناسم. در طول خدمتم هیچ‌کس را از کلاس اخراج نکردم و عاشق این بودم که هنرجویانم را وارد فضای جدی کار کنم. من بچه‌ها را به کارخانه می‌آوردم و چون نیروهای تازه‌کار بودند و به آموزش دیدن نیاز داشتند، نوع دیگری از معلمی را در همان فضای کار تجربه می‌کردم. این تجربه برای من بسیار شیرین بود. جوانانی که با کمک شما وارد بازار کار می‌شوند، همیشه نسبت به شما احساس تعهد و مهربانی دارند و بعید است روزی شما را فراموش کنند. مدت‌ها پیش در جلسه‌ای، رقبای تجاری‌ام که تولیدکننده بودند، آن طرف میز قرار داشتند. یکی از آن‌ها بلند شد و چند دقیقه درباره من و اینکه وارد شدنش به بازار کار را وابسته به کارآموزی‌اش کنار من می‌داند، صحبت کرد. من یادم نبود ایشان در کارخانه من مشغول به کار بوده است، اما او تا همیشه نسبت به من محبت و حس احترام خاصی دارد. در مجموع، به هیچ‌وجه از کارکردن با نیروهای جوان و تازه‌کار پشیمان نیستم؛ هر چند گاهی اوقات اشتباهاتی هم می‌کنند و به خاطر کم‌بودن اطلاعات و مهارتشان، ضررهایی جزئی هم می‌زنند.

- بسیاری از هنرجویانم که پیش خودم کار را یاد گرفتند حالا به رقبای جدی‌ام تبدیل شده‌اند. من از پیشرفت آن‌ها بسیار خوشحالم و به خاطر کارهایی که کرده‌ام، پشیمان نیستم.

**آقای لونی سه سال است دیگر در آموزش و پرورش کار نمی‌کند و بازنشسته شده است. او مجتمع تجاری و تولیدی صنایع**